



سال بیستم

اول اسد ۱۳۴۱

شماره هفتم

عبدالحی حبیبی

قدیمترین مسافران انگلیسی در افغانستان

چگونه یک راهب انگلیسی کتب خانه غزنه را دید؟

داستان چند نفر مسافر انگلیسی قبل از جنگ اول

در قرن اول و دوم هجری که هنوز بقایای رتبیلان و لویکان بر سر زمین کابلستان و زاولستان حکم میراثند، و حکومت خلافت اسلامی درین سر زمین استقرار نیافته بود، بلاد و شهرهای افغانستان مواریث مدنیست باستانی خود را حفظ میکردند، و از سرگذشتهای زایران چینی برمی آید، که بقایای دیانت‌های محلی و بودائی در اکثر بلاد شرقی و مرکزی افغانستان موجود بودند.

در همین عصر یکنفر راهب انگلیسی به غزنه آمده، که داستان وی شنیدنی است، و ظاهراً قدیمترین کسی است که از انگلستان به افغانستان سفر کرده است. چون ازین داستان وضع مدنی و فرهنگی یکی از بلاد قدیم کشور ما روشن میگردد، به تفصیل بحواله عین کتاب انگلیسی آورده می‌شود:

در سنه ۱۹۳۴ م. و سسه سن جوز کالیفو رنیا، کتابی را بنام «سفر جیشر» بزبان انگلیسی طبع و نشر کرد، که اصل آن بزبان عبری بود، و ترجمه انگلیسی آنرا بکنفر راهب کلیسای کنتربری انگلستان که الکو یئن نامداشت کرده بود. و این ترجمه نخستین بار در سنه ۱۸۲۹ م. در برستل انگلستان طبع شده بود.

کتاب جیشر بزبان عبری یکجزو صحایف عهدعتیق (تورات) شمرده می شود، که طبع جدید انگلیسی آن مقدمه مفصلی در شرح حال کاشف این کتاب الکو یئن نیز دارد.

الکو یئن راهب انگلیسی از درباریان شارلیمان (۷۴۲-۸۱۴ م) پادشاه معروف است که اساس پوهنتونی را درپاریس نهاد، و این راهب بین سنه ۷۵۰ و ۸۰۰ م از راه روم و استانبول و دمشق به قزقز بن آمد، و درینجا بکنفر زاهد مرتاض باو گفت: که نسخه خطی کتاب جیشر که ذکر قدامت آن دوبار در انجیل آمد، در کتب خانه شهر غزنه موجود است.

الکو یئن یادو نفر همراهان خویش که یکی جان نامداشت، برای نسخه برداری این کتاب از راه اصفهان به غزنه آمد، و درین شهر دریک خانه کرائی مدت سه سال توقف کرد وی شرحی را در باره کتب خانه غزنه می نویسد: که این کتب خانه بکنفر نگهبانی داشت که مدت ۴۵ سال بدین وظیفه ادامه داده بود. نگهبان کتب خانه بالکو یئن آشنا شد و باو گفت: بلی! نام کتاب جیشر در کتلاگ کتب خانه موجود است، ولی این نسخه گرانبها با برخی از آثار عتیقه نفیس، دریک گوشه کتب خانه، مقفل افتاده و کلید آن پیش خزانه دار سلطنتی است.

الکو یئن با خزانه دار نیز معرفت یافت، و بوسیله او در کتب خانه بدیدن نسخه خطی جیشر که شکل طومار بطول ده فت و عرض ۹ فت داشت نائل آمد. این نسخه بخط جلی و زیبا بر کاغذ ضخیم سفید مخملی نوشته شده و صندوق آن خیلی مزین ولی کهنه بود.

با این نسخه یک طومار کوچک دیگر بعنوان «سر گذشت صحیفه جیشر» نیز موجود بود، و خود کتاب جیشر (۲۷) جزو داشت و در دو نسخه دوقد دیگری یادداشت‌هایی محفوظ بود، که قدما راجع به برخی اقتباسات کتاب جیشر نوشته بودند. در سر گذشت مذکور توضیح شده بود، که جیشر اعصاب بردار حضرت موسی و صاحب او بود.

الکویتن برای نسخه برداری کتاب جیشر، حسب هدایت خزانه دار غزنه، درخواستی را به داور بزرگ آن شهر که سمت اختیار دار کل کتب خانه را داشت نوشت، و بالاخر از محکمه داوایی، امرنامه‌ئی بدین مضمون اصدار یافت:

«الکویتن و دو نفر همکارانش مجازاند، که متن کتاب جیشر کتابخانه عمومی شهر غزنه را از عبری به انگلیسی ترجمه نمایند ولی باید غیر ازین زبان، بدیگر زبانی ترجمه نشود مترجمین آنرا در خود کتابخانه، بحضور مدیر در اوقاتی ترجمه نمایند، که مدیر کتب خانه فرصت مساعد داشته باشد»

الکویتن گوید: که مدت یک و نیم سال به ترجمه کتاب پرداختم. مدیر کتب خانه اجزای کتاب را بروی میزی می نهاد، و ما ترجمه آنرا می نوشتیم ولی غیر از ترجمه، دیگر یادداشتها و کاغذها را مدیر کتب خانه می گرفت و می سوخت. پس از ختم ترجمه، تمام آنرا گرفتند و بعد از آنکه شده و سو گند یاد کردیم، که ترجمه آنرا بدیگری نمی دهیم، و جز ترجمه کتاب، دیگر هیچ چیزی را ننوشتیم. پس اوراق کار ما را بمانسپردند، و اسناد لازمه مسافرت را هم دادند، تا که بعد از مسافرت هفت ساله از زاد اصفهان و قزوین بروم رسیدیم، و نقل کتاب را

بحضور پاپ عرضه داشتیم

ازین داستان در باره کتب خانه غزنه مواد ذیل معلوم می شود:

۱- کتابخانه مذکور شخصی نبوده، بلکه به عموم مردم و حکومت ربط داشت.

۲- موسسه مذکور کتابدار رسمی داشت.

۳- دارای یک کتابخانه و فهرست بود.

- ۴- نسخه های گران بها دران کتب خانه مقلد و محفوظ بود.
- ۵- دران کتب خانه آثار عتیقه دیگر هم موجود بود، و شکل مزیم داشت.
- ۶- کلبداین قسمت موزیم پیش خزانهدار شهر بود، و به کتابدار سپرده نمی شد.
- ۷- اختیا. استعمال این آثار گران بها باداور شهر و آمر محاکم داوری بود.
- ۸- در استعمال کتب و نقل و ترجمه آن احتیاط تمام را مراعات میکردند.
- ۹- درین کتابخانه آثار بسیار مهم تاریخی وجود داشت، چنانچه در طومار مربوط کتاب جیشر نوشته شده بود، که این کتاب را خود جیشر فراهم آورده و درین صندوق نهاده و بعد از و به پسرش جیزر رسیده و شهزادگان جوهر آنرا حفاظت میکردند، تا که بعد از واقعه اسارت بابل، بدست شاهان ایران افتاد، و از صد هاسال است که شهر غزنه حفاظت گاه این نسخه نفیس بود.

ازین شرحی که در مقدمه ترجمه انگلیسی کتاب جیشر طبع شده بخوبی واضح می آید، که شهر غزنه در آنوقت کتب خانهای منظم و موزیم سلطنتی داشته، و دارای قرنیاتی نظیر موزیم ها و کتب خانه های آن زمان بودند، و همین داستان مراتب بلند مدنیت و کلتور افغانستان را در اوایل عصر اسلامی بخوبی نمایانگی میکند.

خانواده توماس هکس در کابل

امامسافر دومین انگلیسی را در عصر اوردنگ زیب می شناسیم که بکابل آمده بود، و در بالا حصار از جهان رفت، و قبری هم در محله سنان شرقی آن تا حدود ۱۸۴۰ م موجود بود.

ازین مسافر انگلیسی خبری در کتاب لشکر کشی بر افغانستان تالیف سر طبیب لشکر اندوس جیمس آتکن سن James Atkinson موجود است این جراح و طبیب انگلیسی که مترجم شاهنامه به نظم و نثر انگلیسی است در سنه ۱۸۳۹ م بالشکر استعمار از انگلیس که بر افغانستان حمله کرده بود بکابل آمده، و کتابش در سنه ۱۸۴۲ م در لندن بنام کسپیدیشن اتو افغانستان در ۸۲۴ صفحه چاپ شده است.

این کتاب اطلاعات مهمی درباره اوضاع همان عصر افغانستان دارد، و درباره قبر

یکنفر انگلیس که در سنه ۱۶۶۶ م در کابل مرده چنین می نویسد: «بیر و ن در وازۀ پشاور بالا حصار کابل بفاصله صد قدم در قبرستانی يك لوحه سنگ مرمر سفید قبر کوچکی بطرف شرق بالا حصار دیدم، که بران چنین نوشته بود: درینجا نعش توها س هکس Thomas Hicks مدفون است پسر جان هکس و جودته Judith، زوجه او، که بتاریخ ۱۱ اکتوبر ۱۶۶۶ م رحلت کرد. قراریکه یکنفر ارمنی مقیم کابل بمن گفت: این لوحه سنگی را در نقاط مختلف قبرستان مذکور دیده است و بنا بران جای اصلی آن معلوم نیست و مورد تعجب است که یکنفر انگلیس در عصر اورنگ زیب چگونه بکابل آمده و درینجا دفن شده؟ از وضع کتیبه پدید می آید، که این توماس هکس کودکی بود.

زیرا نامهای پدر و مادر شخص متوفای کابل در لوح مزارش نمی نویسند. ازین نوشته آنگن سن ظاهر می شود، که سه و نیم قرن قبل کدام خانواده انگلیسی در حدود بالا حصار کابل سکونت داشت، که یکنفر آن بنام توماس هکس در اینجا در گذشته و مدفون بود.

اما شخص سوم انگلیسی که در سنه ۱۷۸۲ م سفری از هند به کشمیر و افغانستان نموده جارج فورستر Forster نام دارد، وی بقول بیوگرافی هندی (ص ۱۵۱) از کارمندان ایست اندیا کمپنی بود، که از راه کشمیر و کابل و هرات و ایران و بحیرة کسپین بروسیه و انگلستان رفت. سفرنامه او بنام سفر از بنگال تا انگلیند در سنه ۱۷۹۸ م نشر یافت وی کتابی را بنام اساطیر و عادات هندو هم نوشت، و در سنه ۱۷۹۲ م هنگامیکه بسفارت دربار مراغه میرفت در ناگپور هند در گذشت.

فورستر در سفر نامه خویش بالا حصار کابل را بطور مصحف (بالاسر) ذکر کرده

و احوال سفر خود را به تفصیل نوشته است.

ویلیم مور کرافت در افغانستان

از اوائل قرن نوزدهم هنگامیکه سلطه استعمار انگلیس در هند بسط می یافت مأمورین بریتانوی ایستادگیا کمپنی به مطالعات کشور افغانستان و در یافتن اوضاع این سرزمین دلچسپی یافتند. و هنگامیکه اعلیحضرت شاه زمان افغان بر لاهور لشکر کشی کرد زمامداران کمپانی هند شرقی را بلرزه در آورد، و از همین اوقات تست که افراد متعدد انگلیسی با لباسهای مختلف سیاح و تاجر و ناشناس از خاک افغانستان دیدن نموده اند.

اولین سیاح انگلیسی که درین عصر در افغانستان گشت و گذار و مطالعات نموده، ویلیم مور کرافت William Moorcraft نام جراح لندنی بود، که در پاریس در رشته پرورش حیوانات نیز تخصص یافته بود وی بسن ۴۰ سالگی در خدمت شرکت هند شرقی درآمد چون مرد حادثه جوئی بود، در هندوستان باین فکر افتاد، که روابط تجارت انگلیس را از راه افغانستان با آسیای علیا باز کند. و نیز بوسیله تجارت اسپ، نژاد اسپ هندوستان را با پیوند نژاد اسپ صفحات باختر اصلاح نماید.

مور کرافت باین فکر، موافقت زمامداران انگلیسی هند را حاصل کرد، و بامقداری از اموال التجاره از کلکتہ برآمد، و با هزاران زحمت خود را به بلخ و از آنجا به کشمیر رسانید. اشالی و مطالعات فرنگی را در آنجا

و وی از کشمیر بکابل آمد و از کابل بولایات شمالی افغانستان گذشت، و از آنجا به بخارا رفت، و هنگام بازگشت در سنه ۱۸۲۵م از بلخ به میمنه رسید تا از آنجا نژاد اسپ های اصیل را بدست آورد ولی چون به اندخوی آمد، در آنجا بمرض محرقه در گذشت، و خد متگار آن جسدش را روی شتر بستند، و در بلخ در پشت دیه اری خاک سپردند، و یکنفر رفیق راه او که تر بیک Trebeck نام داشت نیز پس از چند روز بمرد، که او را در مزار شریف دفن کردند.

یادداشتهای سفر مور کرافت بدست انجمن آسیای می بنگال افتاد، و بعد از اصلاحات فراوان از طرف ویلسن در سنه ۱۸۴۱م بطبع رسید.

سفرنامه مور کرافت راجع باوضاع مردم آن عصر در افغانستان و بخارا و لداخ و کشمیر اهمیت فراوانی دارد ، و نکات مفیدی را در وضع اجتماعی و مدنی و فکری این سرزمین در اوائل قرن نوزدهم در بر دارد .

مور کرافت با میان و مجسمه های بزرگ تاریخی آنرا هم دیده بود ، چون قبلا در لداخ با آثار بودائی آشنائی داشته و در آنجا بسا از معابد و مجسمه های بودائی را از نظر گذرانیده بود ، بنا بران وی درین عصر نخستین کسی است که تشخیص کرده توانست که مجسمه های با میان نیز متعلق به بوداست .
گویند مور کرافت اولین بار به حکومت هند بریتانوی نشان داد ، که میمنه مرکز مهم نژاد قاطرهای قوی و اصیل است ، که مدتها بعد از وهم حکومت هند این نسل اصیل را از میمنه بدست می آورد ، و آنرا در هندوستان برای اصلاح نسل اسپ می پروراند .



خط

خطیست که بر عارض آن ماه تپید است	یا دست فلک غالبه بر ماه کشیدست
یا رهگذر مسور چکانست بگل بر گه	یا بر سمن تازه بنفشه بدامیدست
در جمله یکی خط بدیعت که آن خط	صدتو به شکستت و دو صد برده در بدست
صورتگر چین از حسه صورت خوش	هم خامه شکستت وهم انگشت گزیدست
من از همه املاک دلسی دارم و جانی	واندر دل و جانم گل شادی شکفیدست
دل دوستی یار دلا رام گرفتست	جان بندگی شاه جهاندار گزیدست

امیر معزی

بسم الله الرحمن الرحیم
این کتاب در شهر تبریز در روز ...
تالیف ...
در ...